

آیین قرائت و کتابت قرآن کریم در سیره نبوی

نقد و بررسی کتاب

آیین قرائت و کتابت قرآن کریم در سیره نبوی، محسن رجبی قدسی؛ چاپ دوم، قم: بوستان کتاب (مرکز چاپ و انتشار) دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، ۱۳۸۹ ش.

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج.

پیش از این، در مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق (ع) باز می‌گردد که به موجب آن، توفیق گردآوری بیش از سه هزار فیش از منابع روایی، تاریخی، فقهی و سیره و تحلیل بخش قابل توجهی از داده‌های آن تحقیق نصیب وی شد.

در ۱۶ آذر ۱۳۷۹ عنوان پایان‌نامه کارشناسی ارشد پیوسته ایشان با عنوان «بررسی بنیان‌گذاری قرائت و کتابت قرآن کریم توسط پیامبر اکرم» به راهنمایی نگارنده این سطور، در گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات و معارف اسلامی و ارشاد دانشگاه امام صادق (ع) به تصویب رسید و در دوشنبه ۲۰ خرداد ۱۳۸۱ با درجه عالی دفاع شد.

مؤلف ضمن تکمیل مطالعات خود در این حوزه، چهار دوره تدریس درس «رسم الخط قرآن و تاریخ آن» (۱)، (۲) و (۳) به ارزش ۶ واحد و «تاریخ قرآن» در فاصله سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۸ در دانشکده علوم قرآنی مشهد مقدس^۲ در رشته «فنون قرائت، تلاوت و کتابت قرآن مجید» در مقطع کارشناسی را انجام داد. نیز از فضای پژوهشی بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی بهره‌مند شد تا اینکه متن بازنویسی شده پایان‌نامه فوق لیسانس ایشان با عنوان «آیین قرائت و کتابت قرآن کریم در سیره نبوی» در مرداد ۱۳۸۹ در انتشارات بوستان کتاب قم با شمارگان ۱۲۰۰ نسخه، در قطع وزیری به زیور طبع آراسته شد. کتاب پس از اندکی در آذر همان سال به چاپ دوم رسید و اکنون

۲. اکنون این دانشکده به دانشکده تربیت مدرس قرآن مشهد تغییر نام داده و جزء دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم است.

چکیده: کتاب «آیین قرائت و کتابت قرآن کریم در سیره نبوی» را می‌توان در زمره مطالعات قرآنی - حدیثی دانست که مؤلف آن کوشیده است ضمن توصیف چگونگی بنیان‌گذاری قرائت و کتابت قرآن از سوی رسول خدا، الگوهای اسوه حسنه را در مباحث آموزش و ترویج قرآن برای نسل جوان امروز جهان اسلام تبیین و تحلیل کند. نویسنده در نوشتار حاضر، کتاب مذکور را در بوته نقد و بررسی قرار داده است. از این رو، در ابتدا پرسش‌های اساسی مد نظر نویسنده کتاب و نیز مهم‌ترین نتایج بدست آمده وی را برمی‌شمارد. سپس، ساختار کتاب را با ذکر بخش‌ها و فصول کتاب و محتوای آن‌ها تشریح می‌کند. در انتها، برخی ایرادات کتاب را مطرح می‌نماید.

کلیدواژه: کتاب آیین قرائت و کتابت قرآن کریم در سیره نبوی، معرفی و نقد کتاب، مطالعات قرآنی - حدیثی.

اشاره

آیین قرائت و کتابت قرآن کریم در سیره نبوی را می‌توان در زمره مطالعات قرآنی - حدیثی دانست که مؤلف آن کوشیده است، ضمن توصیف چگونگی بنیان‌گذاری قرائت و کتابت قرآن از سوی رسول خدا، الگوهای اسوه حسنه در مباحث آموزش و ترویج قرآن را برای نسل جوان امروز جهان اسلام تبیین و تحلیل کند.

تجربه پیشین مؤلف در این حوزه خاص از مطالعات قرآنی - حدیثی که عملاً نقش تعیین‌کننده‌ای در پدیداری این اثر داشته است، به همکاری فعال وی در اجرای «طرح آموزش زبان قرآن»^۱ حدود ده سال

۱. برای مطالعه پیشینه آن رک به: محمدعلی لسانی فشارکی؛ «طرح جامع آموزش زبان قرآن (۱)»؛ گلستان قرآن، شماره ۱۱۱ (دوره جدید)، ۱۳۸۰.

مؤلف متن ویراست شده آن را برای چاپ سوم در اختیار بوستان کتاب قم قرار داده است.

بر پایه آنچه گذشت مؤلف، جانمایه پردازش و تحلیل و تدوین مباحث این کتاب را توجّه به این اصل مهم می‌داند که آموزش و ترویج قرآن در سیره و سنت نبوی همواره به مثابه آموزش و ترویج یک «زبان» مطرح بوده است. در پرتو این رویکرد، پیوسته در پی آن است که در حدّ بضاعت محدود علمی خود، گره‌های کوری را که از دیرباز در مباحث مرتبط با بنیان‌گذاری قرائت و کتابت قرآن وجود داشته است، بگشاید؛ هر چند خود اذعان کرده است که به علت مسلط نبودن بر روش‌های مطالعه تاریخی و نداشتن آمادگی لازم برای کار علمی - پژوهشی در حوزه مباحث زبان‌شناختی و دیگر حوزه‌های علمی و هنری که ارتباط تنگاتنگ با مسائل و مباحث آموزش و ترویج قرآن دارند، طبعاً نتوانسته است چنان که باید و شاید از عهده این امر برآید.

مؤلف در مقدمه کتاب بیان کرده است که چون بحر موج روایات اسلامی، با برخی اسرائیلیات و فرآورده‌های تعصبات و منازعات مذهبی، حزبی، قومی و قبیله‌ای در آمیخته است؛ غالباً در میان اخبار و احادیث، چندگونگی و تشنّت فراوان به چشم می‌خورد. از این رو، همین مسئله در بدو امر، محقق را با تناقضات بسیار روبه‌رو می‌سازد؛ زیرا در مسیر تحوّل علوم قرآنی و علوم حدیث، هر دسته و گروهی، تفسیرها و تحلیل‌های مورد نظر خویش را از روایات یاد شده ارائه کرده‌اند.

همچنین، با توجّه به شیوه‌های به‌کارگرفته شده در تدوین «اولیه علم اسباب نزول»، «علم مکی و مدنی»، «علم ناسخ و منسوخ»، «علم رسم المصحف» و «علم قرائات» و دیگر علوم قرآنی که آن شیوه‌ها لزوماً بر مبانی معرفتی قرآن و آموزه‌های سنت نبوی و تعالیم بزرگان صحابه کبار و ائمه اهل بیت (ع) مبتنی نبوده است، و نیز به دلیل فقدان نظام روش‌شناختی دقیقی در تحلیل و بررسی منابع و پردازش داده‌های سنت و سیره نبوی اکرم و متعارف نبودن مطالعه تطبیقی قرآن و سیره نبوی، با وجود وفور منابع سیره و گسترش نسبی مرزهای دانش و تحقیق در علم قرائت و رسم المصحف، چگونگی و نحوه بنیان‌گذاری پیامبر اکرم (ص) در دو حوزه قرائت و کتابت قرآن کریم، همچنان ناگشوده و ناشناخته مانده است. از این رو مؤلف در پی پاسخ به انواع پرسش‌ها درباره چگونگی نزول، ابلاغ، آموزش، ترویج و تثبیت قرائت و کتابت قرآن مجید و ارتباط «قرآن» با پدیده گسترده اختلاف قرائات بوده است که پرسش‌های اساسی تحقیق (بنابراینچه در مقدمه کتاب آمده) عبارتند از:

۱. پیامبر اکرم در مقام ابلاغ، آموزش، ترویج و تثبیت قرائت قرآن همواره آن را به یک شکل و یک وجه یا با آشکال و وجوه مختلف قرائت و اقرآء می‌فرموده‌اند؟

۲. رسول خدا برای ابلاغ، آموزش، ترویج و تثبیت قرائت قرآن از چه روش‌ها و شیوه‌هایی بهره می‌جسته‌اند؟

۳. رسول اکرم برای کتابت نسخه‌های متعدّد و در عین حال متحد و یکسان از قرآن کریم، چه تدابیری می‌اندیشیدند و عملکرد این بخش از رسالت آن حضرت چگونه بوده است؟

نگارنده در فراسوی مطالعات و تحقیقات برای پاسخگویی به سؤالات مزبور، سرانجام به این نتایج دست یافته است:

۱. پیامبر اکرم در مقام ابلاغ، آموزش، ترویج و تثبیت قرائت قرآن، همواره قرآن را به یک شکل و یک وجه که همین قرآن متواتر باشد، از خداوند سبحان دریافت و به همان شکل واحد و وجه واحد بر مردم قرائت و اقرآء فرموده‌اند و هیچ‌گونه اختلافی در نزول، قرائت و اقرآء پیامبر اکرم وجود نداشته است.

۲. پیامبر اعظم برای ابلاغ، آموزش، ترویج و تثبیت قرائت قرآن از روش‌ها و شیوه‌های حکیمانه متعدّدی بهره می‌جسته‌اند که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

الف) ترغیب مردم نسبت به قرآن، به جای تحمیل قرآن بر مردم.

ب) تکیه بر شیوه شنیداری - گفتاری در امر آموزش قرآن.

ج) آسان‌سازی آموزش قرآن تا حد امکان و آسان‌گیری بر قرآن آموزان و ممانعت جدی از هرگونه سخت‌گیری در امر قرائت و تلاوت قرآن.

د) قرائت، تلاوت و اقرآء مکرّر و پیوسته آیات و سوره‌های تازه نازل شده در میان جمع‌ها و جماعت‌های کوچک و بزرگ مسلمانان و غیرمسلمانان، در زمان‌ها و مکان‌ها و موقعیت‌های مختلف.

ه) تشویق مسلمانان و قرآن‌آموزان به تکرار آیات و سُور قرآن و آموزش آنها به دیگران و آموزش شیوه‌های «مقارنه»، «مذاکره» و «مُدارسه» قرآن به آنان.

و) قرائت و اقرآء قرآن به شیوه‌ای روشن، آسان و روان، یعنی «ترتیل» قرآن.

ز) تشویق مسلمانان به کتابت قرآن و استفاده قرآن‌آموزان از نسخه مکتوب قرآن (مصحف).

ح) اعلام آمادگی و استقبال صمیمانه از عرضه مکرّر در مکرّر قرائت یکایک مسلمانان و قرآن‌آموزان بر آن حضرت، برای تصحیح و تثبیت و تحکیم حفظ و قرائت قرآن.

۳. پیامبر اعظم برای دستیابی به اهداف مورد نظر برای تدوین مستمر و منظم و منسجم و کتابت اطمینان بخش قرآن کریم، راهکارهای ذیل را در پیش گرفتند:

الف) اهتمام به کتابت وحی، بلافاصله پس از نزول هر آیه و سوره یا هر قسمت از قرآن، همراه با تعلیم قرائت و تلاوت آن.

مطرح شده در درس علوم قرآنی (۱) در دانشگاه امام صادق (ع) که به نام جزوه «علم محکم و متشابه» از سوی معاونت پژوهشی دانشکده الهیات به صورت محدود تکثیر شد، نشان داده است که «تنزیل» یا «نزول»، گویای سرفصلی است که خواه ناخواه نشان دهنده مرحله قبل از نزول، مرحله نزول و مرحله بعد از نزول است و می‌توان برای نزول قرآن، این سه مرحله را در نظر گرفت: ۱. مرحله نزد خدا بودن قرآن، قبل از نزول یا تنزیل آن. ۲. مرحله نزول یا تنزیل قرآن. ۳. مرحله بعد از تنزیل یا نزول قرآن.

بررسی آیات آغازین سوره‌ها که بیشتر ناظر به بیان چگونگی نزول قرآن و اوصاف آن است، نشان می‌دهد که قرآن قبل از نزول نزد خداوند رحمان، در «ام الكتاب»، «لوح محفوظ» یا «کتاب مکنون»، دارای اوصافی چون «کتاب مبین» بوده است: حم. والکتاب المبین. انا جعلناه قرآناً عربياً لعلکم تعقلون. وانه فی ام الكتاب لدینا لعلی حکیم (زخرف، ۱-۴). «کتاب مبین» نزد خدا، «علی» است؛ یعنی بلند مرتبه و والامنزلت است، به گونه‌ای که عقل‌ها توان درک و دریافت آن را ندارند و «حکیم» است؛ یعنی محکم و یکپارچه و حقیقتی به هم پیوسته و غیر مفصل است و به کلمات، عبارات، آیات و سوره‌ها تبدیل و تفصیل نیافته است. یعنی قرآن در آن حالت ام کتابی‌اش که وصف «لعلی حکیم» را دارد، شبیه الفاظ و عبارات (بشری) نیست که قابل قرائت و تلاوت باشد. در نتیجه قابلیت تعقل و دریافت برای انسان‌ها را ندارد. بنابراین خداوند حکیم، «کتاب مبین» را در مرحله تنزیل یا نزول، به الفاظ و عبارات عربی، روشن و واضح تبدیل کرد و آن را «خواندنی» و «خوانا» گردانید تا قابل قرائت، تلاوت، تعقل و تعلم باشد. در غیر این صورت، دریافت و درک کتاب مبین، فقط مختص رسول خدا می‌شد، چرا که وحی و تعلیم آن، به ایشان اختصاص داشت.

در میان عالمیان، از ازل تا ابد، فقط قلب مبارک پیامبر اکرم ظرفیت و توانایی پذیرش یکباره کتاب مبین و قرآن عربی مبین را به صورت کامل و یکپارچه داشت. در روایات این مسئله با تعبیر گوناگونی بیان شده است: رسول خدا می‌فرماید: «الا وائی اوتیت الكتاب (القرآن) و مثله معه».^۳ از امام علی (ع) نیز روایت شده است: «هو [القرآن] کلام الله وتأویله لایشبهه بکلام البشر».^۴ آن حضرت در ضمن خطبه‌ای فرمودند: «فان الله تبارک وتعالی بعث محمداً بالحق لیخرج عباده من عباده الی عباده... ومن ولایه عباده الی ولایته بشیراً ونذیراً وداعیاً الی الله باذنه وسراجاً منیراً، عوداً ویدءاً وعذراً ونذراً بحکم قد فضله وتفصیل قد احکمه وفرقان قد فرقه وقرآن قد بینه لیعلم العباد ربهم اذ جهلوه...».^۵

تفصیل «کتاب مبین» به «قرآن عربی مبین»، در شب قدر و در مرحله نزول

ب) «املاء» و تعلیم رسم الخط و ویژه قرآن به کاتبان وحی و نظارت دقیق و مستمر بر کارایشان، برای جلوگیری از هرگونه ناهماهنگی، نابسامانی، تصحیف و اختلاف.

ج) تشویق و ترغیب عموم مسلمانان به کتابت قرآن، با تأکید بر رعایت قواعد و ضوابط آن.

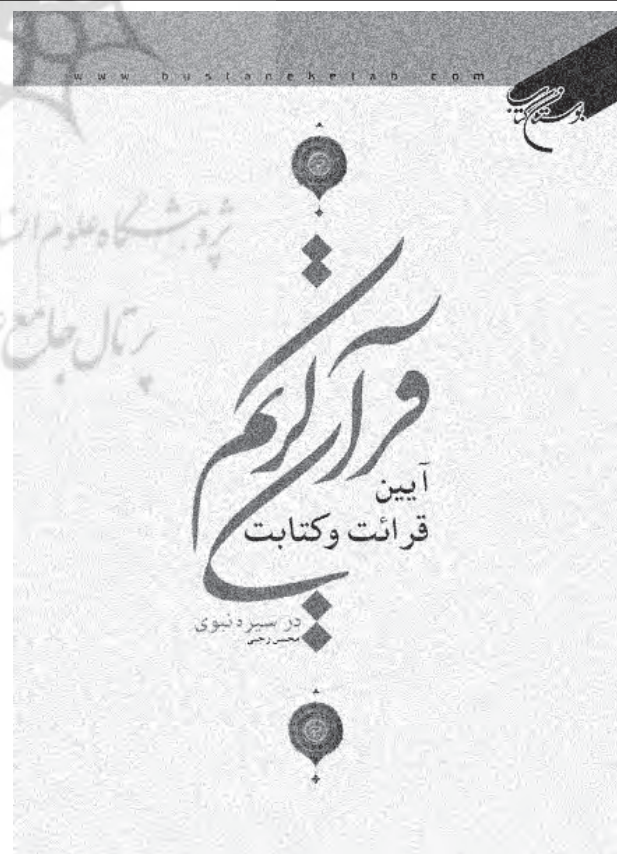
د) توجه دادن مسلمانان به «خاص» بودن و «توقیفی» بودن رسم الخط قرآن و آموزش موارد استثنای ویژه نگارش و کتابت قرآن.

ه) اهتمام پیوسته و پیگیر نسبت به امر مهم جمع و تدوین نسخه‌های متعدّد و متحد از تمامی آیات و سوره قرآن کریم، با رعایت ترتیب توقیفی و جاودانه مصحف شریف.

ساختار کتاب

بخش نخست: نزول قرآن

کتاب آیین قرائت و کتابت قرآن کریم در سیره نبوی در سه بخش و نه فصل سامان یافته است. پس از مقدمه مفاهیم پایه تحقیق، یعنی «قرائت»، «تلاوت» و «کتابت» تعریف شده است. بخش اول با عنوان «نزول قرآن» در دو فصل به نزول دفعی و یکپارچه قرآن در شب قدر و حکمت‌های تنزیل و ابلاغ تدریجی قرآن اختصاص یافته است. نویسنده با بهره‌گرفتن از تفسیر المیزان علامه طباطبایی و مباحث



۳. سنن ابوداود، ج ۴، ص ۴۶۰.

۴. مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۱۰۶.

۵. کلینی، روضه کافی، ج ۲، ص ۲۴۵، ح ۵۸۶.

وما اوتیتم من العلم الا قليلا (اسراء: ۸۵)»^۹.

بخش دوم: بنیان‌گذاری قرائت قرآن

«آموزش قرآن»، «ترویج قرآن»، «تثبیت قرآن» و «زبان قرآن» عناوین چهارگانه این بخش است که در آن نحوه بنیان‌گذاری قرائت قرآن و هدف و نظام آموزش قرآن بیان و تبیین شده است. چون همه انسان‌ها مخاطب پیام و رحمت قرآن هستند، پیامبر اکرم همگام با تنزیل و ابلاغ تدریجی آیات قرآن، ماهیت قرآن را تبیین فرمودند و نظام احسن آموزش آن را همراه با تبیین اصول و اسلوب آموزش و عینیت بخشیدن به روش‌ها و شیوه‌های عملی آن، پی‌ریزی و تثبیت و ترویج کردند تا همه انسان‌ها در همه زمان‌ها و مکان‌ها و با تنوع و گوناگونی زبان‌ها، لهجه‌ها، نژادها، فرهنگ‌ها و سلاطین، به آسان‌ترین روش و روان‌ترین شیوه‌ها امکان و توانایی آموختن و فراگیری قرآن را داشته باشند.

آموزش قرآن در سیره نبوی به روش سمعی - شفاهی و از «حزب مَفْصَل» به صورت تدریجی آغاز می‌شده است. با توجه به فرمان الهی «وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِیْلًا»، شیوه آقراء و قرائت پیامبر اکرم در آموزش قرآن «ترتیل» بوده است. «بیان و اظهار کامل آوای زبان قرآن به صورت روشن و واضح» و «رعایت وقف در پایان هر آیه و دیگر مواضع آن»، دورکن اصلی ترتیل است. از هر این رو قرائت پیامبر اکرم در مقام بنیان‌گذاری قرائت و کتابت قرآن، از هر گونه ابهام و پیچیدگی، مانند ادغام نون ساکن نزد حروف یرملون، اخفا، اقلاب، قلب به میم و ظاهر نکردن اعراب به دور بود» (ص ۶۲).

ترغیب به قرآن به جای تحمیل آن، قرائت ساده و آسان، اصلاح غیرمستقیم اشتباهات قرآن آموز، تکرار و استمرار آقراء و قرائت در حضور مسلمانان، تعلیم و تعلم همزمان، سازمان‌دهی و تقسیم قرآن به ۶۲۳۶ آیه، ۱۱۴ سوره، ۵۵۵ واحد موضوعی (رکوع) و هفت حزب، آسان‌سازی آموزش، تکرار و مداومت (به‌کارگیری آموخته‌ها) در نماز، آموزش به دیگران و مدارس قرآن، عرضه قرائت، تشویق به کتابت قرآن و خواندن مصحف و عرضه مصحف از عوامل مهم ترویج و تثبیت قرائت قرآن دانسته شده است.

زبان قرآن

مؤلف پس از اشاره‌ای گذرا به دیدگاه کسانی که زبان قرآن را براساس لهجه یا گویش قریش یا عربی شمالی می‌دانند، تأکید می‌کند که مطابق بیان قرآن کریم و روایات معتبر نبوی، قرآن کریم به زبان «عربی مبین» نازل شده است. عربی ویژه، خاص و بی‌ظنیری که منحصر به هیچ یک از لهجه‌ها و گویش‌های زبان عربی گذشته و حال نیست، بلکه زبانی جهانی و بین‌المللی است. امام صادق (ع) می‌فرماید: «ان الله لم ينزل القرآن لزمان دون زمان ولا لناس دون ناس فهو في كل زمان

انجام گرفت، چنان‌که در آیه نخست سوره هود می‌خوانیم: «الكتاب احکمت آیاته ثم فصلت من لدن حکیم خبیر» که لفظ «ثم» جانشین مرحله تفصیل آیات و سوره‌های کتاب مبین به آیات و سوره‌های قرآن عربی مبین است. پس آیات و سوره‌های «قرآن عربی مبین»، متناظر و متشابه آیات و سوره‌های «کتاب مبین» در «ام‌الکتاب» است و این دو، تنها در وصف تفاوت دارند: آنجا دارای وصف «حکیم و احکام» است و اینجا دارای وصف «تفصیل» و این تغییر وضعیت را خداوند حکیم خبیر با علم و آگاهی انجام داد: «فصلناه علی علم» (اعراف، ۵۲) تا این قرآن مفضل، با آقراء و قرائت تدریجی و پیوسته در قلب مخاطبان قرار گیرد.^۶

وی در پایان فصل اول با اشاره به حدیث امام صادق (ع) که فرموده‌اند: «اعطاه الله القرآن فی شهر رمضان وکان لا یبلغه الا فی وقت استحقاق الخطاب و لا یؤدیة الا فی وقت امر و نهی فیهبط جبریل بالوحي فبلغ ما یؤمر به و قوله «لا تحرك به لسانک لتعجل به»،^۷ اعتقاد دارد همه روایاتی که طبق آنها رسول خدا هنگام دریافت وحی الهی دچار تب و لرز می‌شد و احساس سنگینی می‌کرد و گاهی از خود بی‌خود می‌شد یا از ترس فراموشی، آنها را تندتند تکرار می‌کرد و خداوند با آیه «لا تحرك به لسانک لتعجل به» ایشان را از این عمل نهی می‌فرمود، مردود است؛^۸ زیرا در نزول دفعی که خداوند بدون هیچ‌گونه واسطه‌ای (حتی جبرئیل) قرآن را بر بنده اش آقراء و تعلیم و تنزیل فرمود: «وانک لتلقى القرآن من لدن حکیم علم» (نمل، ۶)، رسول خدا در کمال آگاهی و بدون هیچ‌گونه اضطراب و نگرانی، قرآن مبین را دریافت کرد: «فاوحي الی عبده ما اوحي . ما کذب الفؤاد ما رأى ... ما زاغ البصر وما طغی» (نجم: ۱۰-۱۱ و ۱۷).

جبرئیل در تنزیل تدریجی، مأمور ابلاغ وحی الهی است و نه معلم قرآن رسول خدا و آن حضرت هنگام دریافت اذن ابلاغ آیات قرآن از فرشته وحی، به گوشه‌ای از آسمان چشم می‌دوختند، چنان‌که در آیه ۱۴۴ سوره بقره آمده است: «قد نرى تقلب وجهک فی السماء:» توجه تو را به آسمان (در انتظار رسیدن وحی) می‌بینیم.

ابن مسعود می‌گوید: «كنت أمشي مع النبي في حرث بالمدينة وهو يتوكل على عسيب فمر بنفر من اليهود فقال بعضهم: لو سألتموه فقال بعضهم: لا تسألوه فإنه يسمِعكم ما تكرهون فقالوا: يا ابا القاسم حدِّثنا عن الروح فقام النبي ساعة و رفع رأسه الى السماء فعرفت انه يوحي اليه حتى صعد الوحي ثم قال: «ويستلونك عن الروح، قل الزوح من امر ربّي

۶. محمد علی لسانی فشارکی، جزوه «علم محکم و متشابه»، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه امام صادق (ع)، صص ۳۹-۴۰ و ۲۴-۲۶.

۷. خداوند کل قرآن را در ماه رمضان [در شب قدر] به پیامبر اکرم عطا کرد، ولی آن حضرت بدون اذن الهی قرآن را ابلاغ نمی‌کرد. با هبوط جبرئیل و ابلاغ وحی الهی، ایشان آن مقدار از آیاتی را که مأمور به تبلیغ آن می‌شدند، به مردم ابلاغ می‌کردند که همگام و همزمان با رویدادها و مناسبت‌هایی بوده که شایستگی خطاب و ابلاغ را داشته است، چنان‌که آیه «لا تحرك به لسانک لتعجل به» ناظر به همین مسئله است (مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۲۸).

۸. رک به: موسوی دارابی، نصوص فی علوم القرآن، ج ۱، صص ۸۸، ۳۶۵، ۳۹۱، ۴۰۳-۴۰۴، ۶۰۴-۶۰۵.

هماهنگ باشند، در تمرین‌های گشتاری زبان آموز الگوی جمله اصلی را به الگوی جدیدی تبدیل می‌کند که با الگوی قبلی نوعی وابستگی دارد و در تمرین‌های ترکیبی به زبان آموز دو جمله ساده داده می‌شود و از او خواسته می‌شود آنها را به یک جمله پیچیده‌تر تبدیل کند، قرآن آموزان عهد نبوی نخست به صورت ناخودآگاه این تمرین‌ها را در قالب قرائت مختلف انجام می‌دادند؛ ولی در ابتدا افرادی مانند ابن مسعود و ابی بن کعب نسبت به این تغییرات بسیار حساس بودند و مانع قرائت دیگر صحابه می‌شدند و از اشتباه خوانی آنها به رسول خدا شکایت می‌بردند، ولی برخلاف انتظار آن دو، رسول خدا قرائت همه آنان را در عین تفاوتی که داشت، تحسین و تجویز و آنها را به ادامه قرائت تشویق می‌کردند.^{۱۲} بدین ترتیب در قرائت صحابه شاهد گستره‌ای از تصریفات^{۱۳} قرآنی هستیم، به طوری که از آیه‌ای به آیه دیگر و از سوره‌ای به سوره دیگر منتقل می‌شدند یا برحجم آیه و سوره‌ای با آوردن قسمت‌هایی از آیات و سوره‌های دیگری افزودند یا با حذف بخش‌هایی از آیه یا سوره‌ای، از حجم آن آیه یا سوره می‌کاستند. حتی گاهی آیات و سوره‌ها را در هم می‌آمیختند و آیات و سوری جدید می‌ساختند. با این حال رسول خدا، آنان را به فراگیری و مداومت بر قرائت سوره‌ها به شکل درست و کامل آن توصیه می‌کردند؛ زیرا تصریف در صورتی ارزشمند است که اصل قرآن در ذهن و قلب قرآن آموزان به عنوان ساخت‌های پایه زبان‌آموزی قرآن تثبیت شده باشد.

بلال حبشی در حال قرائت قرآن، آیات سوره‌های مختلف را در هم می‌آمیخت؛ پیامبر اکرم در وقتی دیگر به او فرمود: هنگامی که مشغول قرائت قرآن بودی و آیاتی را از سُورِ مختلف در هم ممزوج می‌کردی، صدایت را شنیدم. بلال گفت: عطر را با عطر در هم می‌آمیزم. آیات قرآن برترین و نیکوترین کلام‌هاست که خداوند متعال آن‌ها را در کنار هم آورده است. پیامبر اکرم فرمود: به هدف دست یافتنی و به آنچه می‌بایست برسی، رسیدی و این عمل تو، درست و بجا بود، ولی سوره‌ها را بر وجه و ترتیب اصلی آن هم بخوان.^{۱۴} روایت دیگری به همین مضمون از حضرت علی (ع) نقل است که عمار یاسر نیز مانند بلال عمل می‌کرد و پیامبر اکرم کار او را نیز تأیید کرد.^{۱۵} به معاذ بن جبل گفته شد آیات سوره‌های مختلف را در هم می‌آمیزی، پاسخ داد: آیا دیده‌اید من آنچه را

جدید و عند کل قوم غُضَّ الی یوم القیامه^{۱۶}: خداوند متعال، قرآن را برای زمان و مکان خاصی نازل نکرده است، بلکه قرآن در هر زمانی و نزد هر قوم و اهل هر زبانی، تا روز قیامت طراوت و تازگی دارد.

نویسنده با این استدلال که هر زبانی از پیوند دو شبکه محدود نشانه‌ها و شبکه گسترده معانی تشکیل شده است و نحوه پیوند این دو شبکه در زبان‌های مختلف، متفاوت است، بر آن است که در قرآن (کلام الله) این پیوند را خداوند انجام داده است نه بشر. «بنابراین زبان قرآن نمی‌تواند زبان عربی معمول عرب زبانان باشد. پس برای شناخت قرآن و تبیین آن باید زبان ویژه و خاص آن را فراگرفت و در این باره فرقی میان عرب و غیر عرب وجود ندارد» (ص ۱۵۱).

او بر اساس آموزه‌های سیره نبوی در پی تحلیل و طرح این مسئله است که نزول و تعلیم قرآن، در حکم نزول و آموزش یک زبان است. حال از آنجا که زبان، نه مجموعه‌ای ایستا از کلمه‌ها و جمله‌های محدود، بلکه پدیده‌ای شفاهی، پویا، زنده و زایاست، برای فراگیری زبان قرآن مانند هر زبانی دیگر باید شرایطی فراهم آورد که قرآن آموزان ضمن فراگرفتن ساختار و ترکیب اصلی قرآن، بتوانند ساختار آن را در قرائت‌های مختلف تغییر دهند و جابه‌جا کنند تا از این طریق قواعد و نظام‌های زبان قرآن و معنا و مقصد آن برای آنان کشف و درک شود.

زمینه‌های صدور حدیث نزول قرآن بر هفت حرف، یکی از مباحث مفصل کتاب است که نویسنده حدود پنجاه صفحه را به آن اختصاص داده است. (از ص ۱۶۲ تا ۲۰۹) و با آوردن شواهد بسیاری از متون روایی و مطالعه تطبیقی با اصول آموزش زبان در عصر حاضر، به این نتیجه رسیده است که حدیث سبعة احرف، افزون بر آسان‌گیری پیامبر اکرم در امر آموزش و قرائت قرآن برای کسانی که دارای زبان، لهجه و گویش‌های متفاوتی بودند، بر پویایی و انعطاف‌پذیری نزول و زایایی زبان قرآن دلالت دارند. یعنی حال که نزول قرآن نزولی زنده و پویا بوده است، برای فراگرفتن زبان قرآن باید شرایطی فراهم آورد که قرائت آن نیز قرائتی پویا، زایا، آزاد، آسان و بی‌دغدغه باشد. از این رو پیامبر اکرم (ص) هرگونه که قرآن بر زبان افراد جاری و روان می‌شد، آن را منطبق با اهداف نزول قرآن می‌دانستند و می‌فرمودند: «انزل القرآن علی سبعة احرف ایها قرأت اصبت»^{۱۷}: قرآن بر هفت حرف نازل شده است و هر گونه که آن را بخوانی به هدف دست یافته‌ای.

به عبارتی دیگر همان‌طور که در آموزش یک زبان، معلم از انواع تمرین‌های زبانی، همچون تمرین‌های جانشینی، گشتاری و ترکیبی بهره می‌گیرد، در تمرین جانشینی از زبان آموز خواسته می‌شود واژگان جدید را به شیوه‌ای به کار برد که از لحاظ دستوری و معنایی با یکدیگر

۱۰. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۶۶-۱۶۷.

۱۱. ابن ابی عاصم، الأحاد والأمثالی، ج ۵، ص ۴۷۶، ح ۳۳۲۰.

۱۲. طبری، جامع البیان، ص ۱۶-۳۸.

۱۳. تصریف از ماده «صرف» به معنای جابجا کردن، تبدیل کردن، صرف کردن، گردانیدن کلمات از حالت و صورتی به حالت و صورت دیگر، تغییر شکل یا ترکیب کلمات، ساختن کلمات متعدد از یک ریشه و گسترش یک جمله به جملات متعدد است. بر پایه تعالیم نبوی حزب مفضل، «یاب» و «لیاب قرآن» است؛ یعنی چکیده، خلاصه و فشرده قرآن که آیات و سوره‌های آن در شش حزب دیگر قرآن تفصیل، گسترش و تصریف شده است. برای فراگیری زبان قرآن باید این سبک تصریفی را در سه حوزه کلمات، آیات و سوره‌ها گسترش داد.

۱۴. متقی هندی، کنز العمال، ج ۲، ص ۲۲۴، ح ۴۱۴۳. نیز رک به: مصنف، ج ۲، ص ۴۹۸، ح ۴۲۱۸.

۱۵. متقی هندی، کنز العمال، ج ۲، ص ۳۱۶، ح ۴۱۱۲. نیز رک به: ابن ابی شیبیه، المصنف، ج ۲، ص ۲۶۵، ح ۸۸۱۹.

که در قرآن نیست به آن بیفزایم؟^{۱۶}

رسول خدا از یک سو، قرآن آموزان را از ماهیت قرآن آگاه ساختند تا هیچ کس از بروز خطا، اشتباه و اختلاف در قرائت قرآن نهراسد، بلکه همه این اختلاف قرائت ها را عین اتفاق و عین پیشرفت در یادگیری قرآن و ترویج آن بدانند. از سوی دیگر، انگیزه قرآن آموزان را در یادگیری و قرائت قرآن تقویت کردند، به طوری که هر کس، هر طور که می تواند قرآن را قرائت کند: «فاقرؤا کیف شئتم».^{۱۷}

بدین سان، رسول خدا فضایی امن و شرایطی آرام و روان و قابل انعطاف در برابر تفاوت ها، سلاقی و ذوق های گوناگون انسان ها برای ترویج قرآن به وجود آوردند؛ زیرا اولاً: یادگیری نسبت مستقیمی با آرامش روحی و روانی و شرایط اجتماعی زبان آموز دارد^{۱۸} و از این رو زودود شدن مسائل اضطراب آور و دلهره انگیز و ایجاد شرایط آرام بخش و طبیعی، تمرکز فکری را که اساس یادگیری است، فراهم می آورد. ثانیاً: از جمله حقوق اولیه و مسلم هر معلم و متربی این است که او را راحت بگذارند و به او اجازه دهند که شخصاً خود را امتحان کند؛ زیرا هر قدر او از آزمون و خطا و فعالیت بیشتری برخوردار باشد، بیشتر به یادگیری خود مطمئن می شود و به معلم و آنچه آموخته است، احترام می گذارد و سعی در کاربرد و گسترش آن خواهد داشت.

از سوی دیگر اکثر صحابه عرب زبان بودند، اما با توجه به خاص و بی نظیر بودن زبان قرآن (عربی مبین)^{۱۹} و تفاوت آن با زبان عربی آن زمان، در واقع قرآن آموزان در حال یادگیری زبان دوم می بودند. بنابراین ریشه و منشأ بسیاری از خطاهای آنها در هنگام قرائت قرآن را می توان ناشی از پدیده تداخل زبان عربی با زبان قرآن و فراگرفتن اسلوب و قواعد زبان قرآن دانست.

توضیح اینکه زبان شناسان، یادگیری زبان دوم را فرآیندی آگاهانه و روان شناختی می دانند که از برخی جهات با یادگیری زبان اول (زبان مادری) مشابه است. به طور کلی از آنجا که یادگیرنده زبان دوم، مهارت ها و ششم خاص زبان اول را از پیش داراست، بی شک عوامل و توانایی های یادشده به صورت «تداخل» یا «انتقال منفی» و بروز «خطا» یا به صورت «انتقال مثبت» یا تسهیل در فرآیند یادگیری زبان دوم ظاهر می شود.

بخش سوم: کتابت قرآن

در فصل اول، پس از بررسی گزارش های تاریخی و واژگان مربوط به فرهنگ کتابت در قرآن، به رواج خط و ابزار کتابت در عصر نزول اشاره شده و در ادامه از اهتمام جدی رسول خدا به کتابت قرآن همزمان و

موازی با قرائت قرآن سخن به میان آمده است. مؤلف با استناد به نظریه استاد محمد عزه دروزه (درگذشته ۱۴۰۰ ق) سوره های قرآن را با توجه به مضامین و ساختار آنها به سه گروه اصلی تقسیم کرده است:

۱. سوره های یکپارچه که یکجا و یکباره نازل شدند: فاتحه، ناس، فلق، اخلاص (صمد)، مسد، نصر، کافرون، کوثر، ماعون، قریش، فیل، همزه، عصر، تکاثر، قارعه، عادیات، زلزال، بینه، قدر، علق، تین، انشراح، ضحی، لیل، شمس، بلد، فجر، غاشیه، اعلی، طارق، بروج، انشقاق، مطففین، انفطار، تکویر، عبس.

۲. سوره هایی که واحدهای موضوعی آنها در پی هم نازل می شد، بدون آنکه آیاتی از سوره های دیگر در بینشان نازل شود. یعنی تا نزول هریک از این سوره ها پایان نمی پذیرفت، سوره بعدی نازل نمی شد. اینها ۶۱ سوره بودند که عبارتند از: نازعات، نبأ، مرسلات، انسان، قیامت، جن، نوح، معارج، حاقه، قلم، ملک، واقعه، رحمان، قمر، طور، ذاریات، قاف،

تحریم، نساء قصری (طلاق)، تغابن، منافقون، صف، حشر، حدید، حجرات، فتح، محمد (قتال)، احقاف، جاثیه، دخان، زخرف، شوری، فصلت، مؤمن، زمر، ص، صافات، یس، فاطر، سبأ، سجده، لقمان، روم، عنکبوت، قصص، نمل، شعراء، فرقان، مؤمنون، حج، انبیاء، طه، مریم، کهف، نحل، حجر، ابراهیم، رعد، یوسف، هود و یونس. شاید بتوان روایاتی را که می فرمایند: صحابه با نزول «بسم الله

مؤلف، جانمایه پردازش و تحلیل و تدوین مباحث این کتاب را توجه به این اصل مهم می داند که آموزش و ترویج قرآن در سیره و سنت نبوی همواره به مثابه آموزش و ترویج یک «زبان» مطرح بوده است. در پرتو این رویکرد، پیوسته در پی آن است که در حد بضاعت محدود علمی خود، گره های کوری را که از دیرباز در مباحث مرتبط با بنیان گذاری قرائت و کتابت قرآن وجود داشته است، بگشاید.

الرحمن الرحیم» نسبت به بسته شدن و ختم هر سوره آگاه می گشتند،^{۲۰} ناظر بر این دسته از سوره ها دانست.

۳. سوره های تألیفی: قسمت های مختلف این سوره ها در پی هم نازل نشده است، بلکه میان فصول هر سوره، قسمتی از سوره های دیگر نیز نازل شده است. سوره های نجم، مدثر و مزل (هر سه مکی)، جمعه، مجادله، ممتحنه، احزاب، نور، اسراء و سُور طوال قرآن یعنی: بقره، آل عمران، نساء، مائده، انعام، اعراف، انفال و توبه که همگی مدنی اند، در این گروه قرار دارند. نویسنده در ادامه دلایل و مؤیدات این نظریه را آورده است. از جمله عثمان می گوید: «زمانی نسبتاً طولانی بر رسول خدا گذشت تا در این مدت سوره های پُرآیه قرآن نازل [و کامل] شدند. پس هرگاه بخشی از این سوره ها نازل می شد، رسول خدا کاتبان قرآن را فرا می خواند و می فرمود: این آیات را در سوره ای که در آن از فلان مطلب یاد شده است

۱۶. همان، ج ۶، ص ۱۵۱، ح ۳۰۲۶۰.

۱۷. ابن قتیبه، تأویل مشکل القرآن، ص ۳۳ و مقدمة المبانی، ص ۲۲۱.

۱۸. مهدی مشکوة الدینی، «یادگیری زبان دوم...»، آموزش زبان، شماره ۱، ص ۱۸.

۱۹. «هذا لسان عربي مبين» (نحل: ۱۰۳).

۲۰. رک به: سیوطی، الدزالمختور، ج ۶، ص ۲۸۹. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۹.

قرآن را به تدریج، آیه به آیه و سوره به سوره و به روش شنیداری - گفتاری فرانگرفته باشند، ناخواناست و این مهم به رعایت ترتیب در یادگیری ارکان قرآن آموزی و استحکام آنها، یعنی استماع (گوش دادن)، تقویت حافظه شنیداری، تکرار کردن و حمل قرآن در قلب، نوشتن و خواندن از روی آن، تصریف کلمات، آیات و سوره‌ها کمک بسیاری می‌کند و هنگامی که قرآن آموز به صفحه مکتوب قرآن می‌نگرد، در واقع باز هم با استناد و اتکا به آموزش شنیداری خویش به تلاوت می‌پردازد. خط کوفی به گونه‌ای است که ضمن حفظ ساختار اصیل قرآن، پویایی و زیایابی زبان آن را محدود نمی‌کند و همگام و موازی با فلسفه و مبانی آموزش زبان قرآن، به قرآن آموز این امکان را می‌دهد که با اطمینان خاطر بتواند قرآن را با اشکال مختلف قرائت کند. یعنی خط قرآن تا حدودی امکان هم‌نشینی و جانشین‌سازی ویژه‌ها و تکوازهایش را فراهم می‌کند تا ترکیب‌ها و ساختارهای بالقوه زبان قرآن که جزء ذخیره‌های آن است مکشوف شود. به عبارتی دیگر، خط کوفی زمینه خلاقیت و فعالیت قرآن آموز را در تدبیر و کشف معنا و مفهوم قرآن فراهم می‌سازد» (ص ۲۹۱).

در ادامه این فصل ویژگی‌های رسم الخط قرآن از منظر دانشمندان اسلامی مطرح شده است. نویسنده با نقد دیدگاه کسانی که اختلاف در رسم الخط قرآن را ناشی از اشتباه یا کم‌سوادی کاتبان وحی و ضعف خط و ابتدایی بودن آن پنداشته‌اند، رسم الخط قرآن مجید را همانند رسم القرائه آن توقیفی می‌دانند و معتقدند «به علت دور شدن تدریجی مسلمانان از نظام درست الهی آموزش و ترویج قرآن کریم که توسط پیامبر اکرم بنیان‌گذاری و تبیین شده است، توجه به خط قرآن و رسم المصحف نیز جایگاه خود را در فرهنگ فعالیت‌های قرآنی از دست داده است. در حالی که همان‌طور که قرائت قرآن مایه هدایت و رحمت و زمینه تأمل و تدبیر است، کتابت قرآن نیز مایه هدایت و رحمت و زمینه تأمل و تدبیر خواهد بود. بنابراین جا دارد که در مجموعه واحدهای درسی و تحقیقات رشته علوم قرآنی و حدیث، واحدهایی به علم رسم المصحف در کنار علم قرائات اختصاص یابد» (ص ۳۴۴). وی در آخرین فصل کتاب به آداب کتابت قرآن و تهیه مصحف پرداخته که عبارت است از: ۱. نوشتن با رنگ سیاه بر روی صفحه سفید. ۲. تبیین کامل حروف و کلمات. ۳. رعایت فاصله لازم میان کلمات و سطرها. ۴. درشت‌نویسی (بزرگ‌سازی مصحف). ۵. تجرید قرآن از غیر قرآن.

برخی ملاحظات

۱. اگر نشانی آیات در متن تعبیه شده بود، بسیاری از صفحات کتاب (مثلاً ص ۲۷-۲۸ و ۳۱-۳۳) وضع آشفته فعلی را نداشت.
۲. کلمات قرآنی مانند «طه» و «یس» (ص ۴۱) در غیر متن قرآن، بایسته است به صورت «طاها» و «یاسین» کتابت شود و ای کاش کلمه «اقرا» در همه جای کتاب، «اقراء» ثبت و ضبط می‌شد.

قرار دهید»^{۲۱}. چنان‌که با نزول آیه «واتقوا يوماً ترجعون فيه الى الله» که بر پایه برخی روایات، آخرین آیه نازل شده قرآن است، پیامبر اکرم دستور دادند آن را پس از آیه ۲۸۰ سوره بقره قرار دهند.^{۲۲} با تکمیل سوره‌ها، دوباره آنها را بر روی صحیفه‌ها و ورق‌های مناسبی که برای ترتیب و تدوین نهایی و جاویدان سوره‌ها در متن کامل قرآن آماده کرده بودند، بازنویسی می‌کردند و این اوراق و صحیفه‌ها را به یکدیگر می‌دوختند. زید بن ثابت می‌گوید: «کتا عند رسول الله نؤلف القرآن من الرقاع»^{۲۳}.

بدین ترتیب، کتابت و تدوین قرآن تقریباً در سال نهم هجری پایان یافته بود؛ زیرا وقتی وفد ثقیف در رمضان سال نهم هجری وارد مدینه شدند، با مجموعه تقریباً کامل متن مکتوب قرآن که حزب‌بندی شده و سوره‌های هر حزب نیز مشخص و معین بود، روبه‌رو شدند. اوس بن حذیفه ثقفی می‌گوید: «به همراه وفد ثقیف در مدینه بر رسول خدا وارد شدیم. [آن حضرت ما را در گوشه‌ای از مسجد مستقر کرد تا قرآن را بشنویم و مردم را به هنگام خواندن نماز ببینیم]. رسول خدا هر شب بعد از نماز عشاء به دیدن ما می‌آمد و ضمن گفت‌وگو، قرآن و فرایض را به ما تعلیم می‌داد. یک شب آن حضرت کمی دیرتر از وقت همیشه به دیدن ما آمد. علت را جویا شدیم. فرمود: حزبی از قرآن در خاطرم گذشت، دوست داشتم آن را کامل کنم و سپس به سوی شما بیایم. صبح روز بعد از اصحاب آن حضرت درباره حزب‌های قرآن سؤال کردیم. آنان گفتند: «ثلاث و خمس و سبع و تسع و احدى عشرة و ثلاث عشرة و حزب المفضل اوله «قاف»؛^{۲۴} یعنی پیامبر اکرم قرآن را به هفت حزب زیر تقسیم کرده و آن را به اصحاب آموزش داده‌اند: سه سوره اول [بقره، آل عمران و نساء]، حزب اول، پنج سوره بعدی حزب دوم، هفت سوره بعدی حزب سوم، نه سوره بعدی حزب چهارم، یازده سوره بعدی حزب پنجم، سیزده سوره بعدی حزب ششم و «حزب مفضل» از سوره «قاف» تا «ناس» (شامل ۶۵ سوره) حزب هفتم قرآن است.

در فصل دوم این بخش، پیدایش خط و سیر تحول آن، جدول حروف الفبای خط کوفی به عنوان خط قرآن، صامت‌ها و مصوت‌های زبان قرآن، آیین نگارش همزه، مصوت‌های کشیده (بلند)، تنوین، تالی تأیث و مصوت‌های کوتاه همراه با دیدگاه علما درباره ضبط المصحف آمده است. در مبحث تناسب و هماهنگی خط کوفی با زبان قرآن، به این نکته مهم اشاره شده است که «خط کوفی به دلیل نداشتن نقطه و اعراب، برای کسانی که سواد نوشتن دارند، ولی قبلاً

۲۱. ابوعبید، فضائل القرآن، ص ۲۸۶. نیزرک به: ابن شبنه، تاریخ المدینة المنورة، ج ۲، ص ۱۰۱۵. سنن ترمذی، ج ۵، ص ۲۷۲. سنن ابوداود، ج ۱، ص ۴۹۸، ج ۷۸۶.
 ۲۲. مقدمة المبانی، ص ۴۱. سیوطی، الاقنآن، ج ۱، ص ۱۹۵.
 ۲۳. سنن ترمذی، ج ۵، ص ۳۹۰، ج ۴۰۴.
 ۲۴. ابن شبنه، تاریخ المدینة المنورة، ج ۲، ص ۵۰۸-۵۱۰. نیزرک به: سنن ابوداود، ج ۲، ص ۵۵، ج ۱۳۹۳. سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۴۲۷، ج ۱۳۴۵. مسند امام احمد بن حنبل، ج ۴، ص ۹، ج ۱۶۲۱۱.

کتابنامه

۱. ابوداود سجستانی، سلیمان بن اشعث؛ سنن؛ به کوشش محمد محیی الدین عبدالحمید؛ بیروت: داراحیاء السنه النبویه.
۲. ابن ابی شیبہ کوفی، عبدالله بن محمد؛ کتاب المصنّف فی الأحادیث والآثار؛ تحقیق: کمال یوسف الحوت؛ ریاض، مکتبه الرشد، ۱۴۰۹ ق.
۳. ابن ابی عاصم، احمد بن عمر؛ الأحاد و المثانی؛ تحقیق فیصل احمد الجوابره؛ قاهره: دارالدرايه، ۱۴۱۱ ق.
۴. ابن حنبل، احمد؛ مسند؛ به کوشش احمد محمد شاکر؛ بیروت: دارالجليل.
۵. ابن شبه، عمر؛ تاریخ المدینه المنوره؛ تحقیق: فهیم محمد شلتوت.
۶. ابن قتیبہ، عبدالله بن مسلم؛ تأویل مشکل القرآن، به کوشش احمد صقر؛ بیروت: مکتبه العلمیه، ۱۴۰۱ ق/ ۱۹۸۱ م.
۷. ابن ماجه، محمد بن یزید؛ سنن؛ به کوشش محمد فؤاد عبدالباقي؛ بیروت: داراحیاء الکتب العربیة، ۱۳۷۲ ق.
۸. ابو عبید قاسم بن سلّام؛ فضائل القرآن؛ تحقیق مروان العطیه؛ محسن خرابه و وفاء تقی الدین، بیروت: دارابن کثیر.
۹. ترمذی، محمد بن عیسی؛ سنن (الجامع الصحیح)؛ به کوشش عبدالوهاب عبداللطیف؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۰ ق/ ۱۹۸۰ م.
۱۰. دروزه، محمد عزه؛ تاریخ قرآن (درسنامه، پژوهشنامه، نظریه پردازی) به ضمیمه روش شناسی تفسیر ترتیبی و تفسیر موضوعی؛ ترجمه محمد علی لسانی فشارکی؛ قم: دفتر انتشارات زینی، ۱۳۹۱ ش.
۱۱. ریورز؛ «روش سمعی - شفاهی چیست»؛ فلمروزان فارسی و آموزش زبانهای بیگانه، مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، بهمن ۱۳۶۴.
۱۲. سیوطی، جلال الدین؛ الاتقان فی علوم القرآن؛ به کوشش مصطفی دیب البغاء؛ دمشق - بیروت: دارابن کثیر، ۱۴۱۶ ق/ ۱۹۹۶ م.
۱۳. _____؛ الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور؛ بیروت: دارالمعرفه.
۱۴. صدوق (ابن بابویه)؛ محمد بن علی؛ عیون اخبار الرضا؛ تهران: نشر صدوق، ۱۳۷۲ ش.
۱۵. صنعانی، ابوبکر عبدالرزاق؛ المصنّف؛ تحقیق حبیب الرحمن الاعظمی؛ المجلس العلمی.
۱۶. طباطبایی، سید محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ پنجم.
۱۷. طبری، محمد بن جریر؛ جامع البیان عن تأویل آی القرآن؛ به کوشش محمود شاکر؛ بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ ق/ ۲۰۰۱ م.
۱۸. عیاشی، محمد بن مسعود؛ التفسیر؛ به کوشش هاشم رسولی محلاتی؛ تهران: المکتبه العلمی الاسلامیه.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ به کوشش علی اکبر غفاری؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۱ ق.
۲۰. متقی هندی، علی بن حسام؛ کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال؛ به کوشش صفوة السقا و بکر حیانی؛ بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۳۹۹ ق/ ۱۹۷۹ م.
۲۱. مجلسی، محمد باقر؛ بحار الانوار الجامعه لدرر الاخبار الائمه الاطهار؛ بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق.
۲۲. مشکوٰه الدینی، مهدی؛ «یادگیری زبان دوم بر پایه فرضیه قاعده سازی زایا و فراگیری مهارت»؛ آموزش زبان، شماره ۱۵، ۱۳۷۹ ش.
۲۳. مقدمه المبانی فی نظم المبانی و مقدمه ابن عطیه (مقدمتان فی علوم القرآن)؛ به کوشش آرتر جفری؛ مصر: مکتبه الخانجی، ۱۹۵۴ م.
۲۴. موسوی دارابی، سیدعلی؛ نصوص فی علوم القرآن؛ مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۸۰ ش.

۳. برخی واژه‌ها و فرازهای احادیث و روایات، نیاز به بازبینی دوباره دارد تا ضبط صحیح آن مشخص شود؛ مثلاً «من التبدیر» در صفحه ۴۶، پاورقی ۳، سطر ۲، «الافصاح لجمعیه بالتدبر» در صفحه ۶۲، سطر ۱۵، «من اکره» در صفحه ۸۶، سطر ۴ و «ان سین بلال عند الله الشین» در صفحه ۸۹، سطر ۸ که درست آن «شین» است.

۴. ذیل عنوان «تقسیم قرآن به ۵۵۵ واحد موضوعی (رکوعات)» در صفحه ۱۱۳، بایسته بود با توجه به اهمیت و ضرورت آن در آموزش و تحقیق موضوعی در قرآن، با تفصیل این مسئله تبیین و نیز بر ممتاز بودن فاتحه کتاب و زیر مجموعه نبودن آن در این تقسیم بندی تأکید می شد. همچنین شایسته بود از حذف علامت آن از سوی مصریان و اعراب در چاپ قرآن انتقاد می شد.

۵. عنوان فرعی «نظام زوجی سوره‌ها» در صفحه ۱۱۸ و ۱۱۹ به خوبی تبیین نشده است.

۶. در ذیل روایت نبوی: «تعلّموا القرآن بعربیه وایاکم والنبر فیه، یعنی الهمز. قال الصادق (ع): الهمز زیاده فی القرآن الا الهمز الاصلی، مثل قوله [تعالی] «الا یسجدوا لله الذی یخرج الخبء...» وقوله «لکم فیها دفء...» وقوله «فاذرعتم فیها...» آمده است: «با توجه به معنای لغوی نبر، به نظر می رسد که چون تلفظ و ادای همزه در برخی لهجه های عرب، همراه با ایجاد صدایی شدید و انفجاری و گوش خراش بوده است، پیامبر اکرم این گونه ادا کردن همزه را در قرائت قرآن نهی کرده و خواستار تسهیل در ادای آن شده اند» (ص ۱۵۸). در حالی که نهی از نبر، لزوماً امر به تسهیل نیست. اعتدال در قرائت منظور است که نه نبر است و نه تسهیل. همچنین چه بسا سخن امام صادق (ع) به قرائت حمزه کوفی یا زمینه های قبلی آن اشاره داشته باشد؛ چرا که ادای همزه از آداب و امتیازات قرائت قرآن است.

۷. در عنوان بخش سوم (ص ۲۱۹)، قید «در سیره نبوی» و کلیشه «صلوات» زاید است؛ زیرا موجب تشابه آن با عنوان اصلی کتاب است و با عنوان بخش دوم هماهنگ نیست.

۸. فهرست های اعلام، اماکن و فرق به کتاب افزوده شود و فهرست آیات که متأسفانه الفبایی آمده، به ترتیب سوره ها در متن مصحف شریف تدوین شود. همچنین این فهرست ها قبل از فهرست منابع و مأخذ قرار گیرد.

۹. دست کم یک فهرست تفصیلی در آخر کتاب لازم است تا درون صفحات پرمحتوای کتاب را بکاود و آدرس بدهد. گاه برای یک صفحه سه یا چهار عنوان لازم است.

۱۰. آینه کتاب در پشت جلد باید با دقتی زاید الوصف و بازبینی چندباره دوباره تدوین و در چاپ های بعدی جایگزین شود.